

اصلاح طلبان «مقاومت مدنی» را جایگزین سیاست «آرامش فعال» می‌کند؟

یادداشت

چه کسانی از قدرت سیاسی،

منفعت اقتصادی می برنند؟

در مجلس فاش شد که در سال ۱۳۷۵م، وزارت جهاد سازندگی ۲۰۰ نشان زمین در منطقه دماوند را که بیش از یک میلیارد تومان ارزش داشته است به بهای تنها ۱۲۸ میلیون تومان به مؤسسه کیهان و آذنار داد است. کیهان نخست تحت عنوان استفاده از این زمین برای مصارف شارهاتی، تقاضای و آذناری زمین را می‌کند اما بعد از قطعی شدن آذناری زمین، مورد استفاده از آن را به گاوداری و دامداری تغییر دهد. این در حالی است که دانشگاه علم و صنعت نیز متقاضی زمین ببور بوده اما وزارت جهاد سازندگی کیهان را به دانشگاه ترجیح داده است. کیهان، ارگان ارتقای اجتماعی ترین مدافعان ولایت مطلقه فقیه و درست حسین شریعتمداری بازجوی زندانیان سیاسی است. این روزنامه روز علیه جنبش اصلاح طلبانه مردم و نیروهای آزادبخواه فحاشی و نژاد پراکنی می‌کند. در شرایطی که این تبلیغات ارتقای اجتماعی در نزد اندیگان خردباری ندارد، همه حدس می‌زند که منع درآمد و محل زیده کیهان را باید در جانی دیگر مستوجو کرد. اکنون روشن شده است دولت رفیجخانی یک کمک میلیارددی به مؤسسه تحریر ریاست ادار حسین «کرده است تا این مؤسسه بتواند به سپاهیان های خود به دگراندیشان و اصلاح طلبان ادامه دهد. این نخستین و تنها نمونه هم آمیزی قدرت سیاسی و منافع اقتصادی در جمهوری اسلامی است. در دوره حکومت رفیجخانی، شکل گیری الگارشی در بالاترین دهای حکومت تا جانی پیش رفت که تنها در یک قلم، خانواره رفیق است و همدستانش ۱۲۳ میلیارد تومان از یک بانک دولتی اختلاس دند. همه می‌دانند که «پربرکت» ترین کشتات های دولتی نصیب سانی می‌شود که با سیاری رشته ها به الگارشی حاکم وابسته اند. دهانی مانند وزارت اطلاعات، سپاه پاسداران و ... در فعالیت های صادی حضور گسترده ای دارند. کم نیستند کارخانه ها، سردهنگره ها، شرکت های اسلامی، شرکت های تجاری و مزارع که تحت مدیریت مسئولان دهای سرکوب یا به صورت شخصی یا در اختیار این نهاد اداره شوند. این گونه مؤسسات اقتصادی که غالباً از سوی وزارت تاخته های اشتباهی به صاحبان فعلی و آذنار شده اند، از هر گونه حسابرسی دولتی افتد. بودجه سیاری از گروه های فشار و باندهای ترویست از همین نهاد فعالیت های اقتصادی تأمین می شود. هیچ نظرات عمومی بر این هم تبیدگی های رشته های قدرت سیاسی و اقتصادی وجود ندارد. سانی که این گونه بر ثروت های عمومی چنگ انداخته اند، از این قیمت ممتاز هم برای تحکیم قدرت سیاسی خود بهره می گیرند و هم ثروت شخصی خود می افزایند. بدین ترتیب، قدرت سیاسی درست تحکیم قدرت اقتصادی قرار می گیرد و بر عکس. تا هنگامی که عملکرد اقتصادی دولت و نیاهانی مانند بنیادها، سپاه، وزارت لاعات و غیره مورد بازبینی اساسی قرار نگرفته است، امیدی به کراپرایزه کردن جیات سیاسی و اقتصادی و بایان دادن به حاکمیت الگارشی مخفوظ در جمهوری اسلامی نیست. گشودن گره های زندگی عاش مردم نیز منوط به خلیج پد از همین انحصاراتی است که در سایه حصار سیاسی، حاکمیت اقتصادی خود را نیز برقرار کرده است. بخشی از منابع و ثروت ملی ایران در دست این انحصارات است که به افزایید. اقدام جمعی از نهادهای گان مجلس در افشاء کمک یک پیاره دی دولت به کیهان، گامی در جهت درست است. اما این گام تنها تواند آغازی باشد برای خلیج پد از انحصارات. نهادهای گان مجلس تا استرداد زمین تحت تملک کیهان به دولت، ماجرا را پیگیری کند. این نهادهای گان باشد همچنین به وظیفه خود طبق قانون اساسی که تحقیق و تفحص در باره همه امور کشور است عمل کنند و پرده از سایر ارد سوه استفاده اقتصادی از قدرت سیاسی بردارند.

تهدید خانواده‌های روزنامه‌نگاران زندانی به بست‌نشینی

ادامه از صفحه اول

گزارشی از برگزاری جشن امانته

سازمان فداییان خلق ایران
(اکثریت) از طرف روزنامه
اما زیته به این جشن دعوت شد.
اعضا و هوازدان و دوستداران
سازمان به پرپانی غرفه همت
گماشتند و در این غرفه
مطبوعات سیاسی و فرهنگی و
کارهای صنایع دستی ایران را
ارائه نمودند.

تعداد قابل توجهی از
هوطنان ایرانی و فعالین سیاسی
از غرفه سازمان بازدید نمودند.
بازدیدکنندگان خارجی نگرانی
خود را آنچه در ایران
می گذرد، ایران نموده و رفاقتی ما
به سوالات آنها پاسخ دادند.

جشن امازیته امسال در
روزهای ۱۶، ۱۵ و ۱۷ سپتامبر
در پارک کورنونو، اطراف پاریس
با حضور بیش از ۴۰۰۰۰ نفر
برگزار گردید. این جشن یک
همایش سیاسی - فرهنگی است و
در گوش و کنار آن موضوعات
گوناگون سیاسی - اقتصادی و
جتماعی فرانسه و جهان مورد
بحث و تبادل نظر قرار می گیرند.
بخشی از محل جشن به نام
«دهکده جهان» به احزاب و
سازمان های سیاسی ترقی خواه
خارجی اختصاص دارد که به این
جشن دعوت شدندان.

نشریه کار، ارگان مرکزی

بیش از ۳۰۰۰ امضا چهت
آزادی زندانیان سیاسی، آزادی
روزنامه‌نگاران و لغوم منوعیت
از مطبوعات در ایران،
جمع آوری شد تا به رئیس
جمهور، آستان اسلامی گردید.

بیمه‌ور، بیمه‌وار، بیمه‌گردان

سازمان فداییان خلق ایران
(اکثریت) از طرف روزنامه
اما زیته به این جشن دعوت شد.
اعضا و هوازدان و دوستداران
سازمان به پرپانی غرفه همت
گماشتند و در این غرفه
مطبوعات سیاسی و فرهنگی و
کارهای صنایع دستی ایران را
ارائه نمودند.

تعداد قابل توجهی از
هوطنان ایرانی و فعالین سیاسی
از غرفه سازمان بازدید نمودند.
بازدیدکنندگان خارجی نگرانی
خود را آنچه در ایران
می گذرد، ایران نموده و رفاقتی ما
به سوالات آنها پاسخ دادند.

جشن امازیته امسال در
روزهای ۱۶، ۱۵ و ۱۷ سپتامبر
در پارک کورنونو، اطراف پاریس
با حضور بیش از ۴۰۰۰۰ نفر
برگزار گردید. این جشن یک
همایش سیاسی - فرهنگی است و
در گوش و کنار آن موضوعات
گوناگون سیاسی - اقتصادی و
جتماعی فرانسه و جهان مورد
بحث و تبادل نظر قرار می گیرند.
بخشی از محل جشن به نام
«دهکده جهان» به احزاب و
سازمان های سیاسی ترقی خواه
خارجی اختصاص دارد که به این
جشن دعوت شدندان.

نشریه کار، ارگان مرکزی

متاسفانه در تایپ مطلب «اصول قانون اساسی را با اصل حاکمیت ملی انطباق دهدید!» (مندرج در کار شماره ۲۴۱)، اشتباهاتی صورت گرفت و درج منابع آن از قلم افتاد. ضمن بوزش از خوانندگان و نویسنده مطلب، تصحیح و تکمیل آن در زیر درج می‌گردد.

(۱) ستون اول، پایان پاراگراف پنجم، جمله‌ای که در گیوهود قرار گرفته است به نقل از «کتاب پلورالیسم سیاسی در جمهوری اسلامی ایران، صفحه ۳۰ تالیف دکتر عبدالکریم لاھیجی» می‌باشد.

(۲) ستون دوم، پاراگراف آخر، فاکتی که داخل گیوهود با شماره ۲۲ «علامت‌گذاری، غلط است و «جنیش» دست است.

(۳) ستون سوم، پاراگراف دوم فاکتی که به نقل از آیت‌الله خمینی آورده شده است و با شماره «۳۳» علامت‌گذاری گردیده، براساس «شرح مذاکرات مجلس در بررسی نهایی قانون اسلامی جمهوری اسلامی صفحات ۵ و ۶ چلد اول کتاب» است.

(۴) در صفحه هفتم، ستون دوم، پاراگراف سوم، سطر دوم، بعد از «کشور» کلمه «ما» قرار می‌گیرد.

(۵) صفحه هفتم، ستون آخر، پاراگراف آخر، سطر ششم «موازات» غلط است و «جنیش» دست است.

نشریه کار را به هر طریق ممکن به دست دوستدارانش
در داخل کشور پر سانیدا

اچھار دار و دار دھری

اعتراض کارگران کارخانه البسکو مشهد

انعقاد قراردادهای موقت کار بین کارفرماییان و کارگران روز به روز گسترش می‌یابد بگونه‌ای که
اعمدیران و صاحبان کارخانجات، کارگران و کارمندان خود را مجبور می‌کنند که یا تن به انعقاد قرارداد
موقت بدنهند و یا اینکه اخراج را پذیرا شوند.
برخورد کارفرمایان اعتراضات و سیع کارگران را در سراسر کشور برانگیخته است. مبارزه علیه
قرارداد موقت کار به یکی از موضوعات مبارزات کارگری تبدیل شده است.
خبرهای رسیده حاکی است که کارگران کارخانه الیسکو مشهد علیه قراردادهای موقت به اعتراض
برخاسته‌اند.
مدیر کل کار و امور اجتماعی آذربایجان شرقی نیز در دیدار با نمایندگان جامعه کارگری در این
زمینه می‌گوید: اگر از اجرای بخشنامه قراردادهای موقت کار جلوگیری بعمل نیاید به زودی بسیاری
از کارگران قدیمی و با سابقه کار رسمی خود را از دست خواهند داد و به خلیل کارگران روزمزدی و
پلاتکلیف جامعه خواهند پیوست. بگفته و ابلاغ بخشنامه قراردادهای موقت کار فرستی فراهم آورد
تا شرکت‌های خدماتی بی شماری مثل قارچ یک شب سر برآورند و کارگران را به استئنار بکشند. اکثر
این شرکت‌های بدون اینکه چوکترین حق و حقوقی برای کارگران قائل شوند آنها را بصورت موقت و یا
حتی باره وقت به کار می‌گیرند و بلافضله بعد از اتمام کار به حال خود رها می‌کنند.

در استان مرکزی ۹۵ هزار نفر بیکارند!

مدیر کل کار استان مرکزی می‌گوید: همه در زمینه اشتغال خوب صحبت می‌کنند ولی عملی در کار نیست. وی می‌گوید: بیش از ۵۹ هزار نفر بیکار در استان صنعتی اراک ثبت نام کردند که در سال ۹۱۹ نفر جذب بازار کار شدند. ۸۵ درصد بیکاران ثبت نام شده فاقد هرگونه مهارت و تخصص می‌باشند.

دیر اجرای خانه کارگر استان مرکزی اعلام داشت: در حال حاضر شاهد تعطیلی ۲۰ واحد صنعتی در سطح استان هستیم که تعداد زیادی از کارگران آنها به جمع بیکاران خواهند پیوست. و تعداد دیگری از واحدهای تولیدی استان نیز با شکل کمپرد نقدینگی و مواد اولیه مواجهاند که اگر فکر ساسی برای آنها نشود در اینده نزدیک آنها نیز تعطیل خواهد شد.

میزان بیکاران در شهر کرج

در ادارات کاریابی شهر کرج ۱۰ هزار نفر بیکار چهت کاریابی ثبت نام کرده‌اند. معمولاً بخش قابل توجهی از بیکاران در ادارات کار ثبت نام نمی‌کنند. مدیرکل اداره کاریابی کرج اذعان می‌کند که تعداد واقعی بیکاران به مرأت بیشتر از گسانت است که در ادارات کاریابی ثبت نام می‌کنند.

حقوق و مزایای ۳ هزار کارگر مازندرانی پرداخت نشده است

دیر اجرایی خانه کارگر مازندران در اشاره به وضعیت نابسامان واحدهای تولیدی و صنعتی می‌گوید: علی رغم اینکه کارگران قراردادی بیشترین مشکلات را تحمل می‌کنند و از امنیت شغلی رنج می‌برند، کارگران دارای کار که سبقه بالایی هم دارند بخاطر مشکلات اقتصادی یکار شده و به خیل تعطیل ییکاران می‌پیوندند و کسی نیست که پاسخگوی نیاز کارگران باشد.

وی می‌گوید: حقوق و مزایای ۳ هزار کارگر مازندرانی پرداخت نشده است.

درد دل و مشکلات کارگران

- کارگری هستم با حقوق چهل هزار تومان در ماه. به نظر شما بندۀ چگونه می‌توانم هم کرایه منزل را پردازم و هم هزینه زندگی را تامین کنم ضمن اینکه سال تحصیلی در شرف آغاز است و فرزنداتم متأصل و نیازمندند.
- کارمند بکی از شرکت‌های خصوصی هستم. اگر ممکن است یکی از مستولین پیايد و با ۶۰ هزار تومان حقوق من بیک ماه را پیگیراند. فکر نمی‌کنم بتواند بیش از پانزده روز دوام پیاوورد.

سرکوب فعالین و اعضای اتحادیه‌های کارگری

بر اساس گزارش اتحادیه آزاد کارگری «F.F.I» در طول سال ۱۹۹۹ میلادی ۱۴۰ نفر از فعالین تجارتی های کارگری در تعدادی از کشورهای جهان پس از تهدید یا به قتل رسیده اند و یا ناپدید گشته اند.

در گزارش رسانه گفته شده است که حقوق اتحادیه ای در ۱۲ کشور جهان نقض و پایمال گردیده، سه نیاز بازداشت و بیش از ۱۵۰ نفر زخمی و شکنجه شده اند و حداقل ۵۸۰ نفر به دلیل فعالیت های تجارتی ای قانونی مورد اذیت و ازار قرار گرفته اند.

آقای بیل یوردان رئیس اتحادیه به مناسبت انتشار همین گزارش می گوید نمایندگان دولت ها در گفتگوهای بین المللی از رعایت حقوق اتحادیه ها صحت می کنند اما در عمل در زمرة سرکوب کنندگان فعالین اتحادیه ای و اتحادیه ها در کشورهایشان هستند.

شدیدترین سرکوب گری علیه فعالین اتحادیه ها در کلمبیا صورت می گیرد. در گزارش گفته می شود که حداقل ۱۲۰ نفر از اعضاء اتحادیه های کلمبیا به نحو غیر عادلانه و با حمایت مقامات دولتی از کار خارج گردیده اند.

۱۰۸ درصد از کل کسانی که در سال گذشته بخاطر فعالیت های اتحادیه ای زندانی گشته اند از قاره آفریقا بوده اند.

باشید الان آن طور که من شنیده‌ام فقط چند جا
بیشتر نیست که انجمن صنفی دارند. عمل و قتی
وزارت کار به عنوان مجری قانون و ناظر بر
اجراهی درست قانون یک چنین نظری دارد و
می‌گوید صلاح نیست که شما انجمن صنفی
داشته باشید، در واقع قانون را نقض کرده
است...» (فرهنگ توسعه، ویژه زنان، میزگرد
مسائل زنان و جامعه مدنی، به کوشش نوشین
احمدی خراسانی، ص ۲۶).

حرکت‌های گارگری و ضرورت تشکیل‌های مستقل

میڈیا مونڈی

کارگر عنوان مجموعه مقالاتی است که به صورت کتاب و با ویراستاری جواد موسوی خسوزستانی، در ابراهیان انتشار می‌باشد. اخیراً دو شماره از آن به دست مارسیده است. این دو شماره شامل مطالبی در زمینه تشكیل‌های کارگری، تاریخچه جنبش کارگری، اعتراضات کارگران، اثرات طرح تعديل اقتصادی بر جامعه کارگری، جامعه مدنی و حقوق کارگران است.

انتشار این مجموعه مقالات، قدم نیتی است در جهت شناساندن مشکلات و مسائل کارگران، روزنامه‌های کشور ما در این زمینه برای کارفرمایان فراهم شده است. وزارت کار از تشکیل این جماعت نیز نتوانست تصمیم بگیرد، موضوع به «هیئت حل اختلاف» سپرده می‌شود. سرمایه‌دار اما می‌خواهد این تصمیم منحصراً در حیطه اختبار خودش باشد.

کارفرمایان و تشکل‌های دولتی

اصحابان صنایع نه تنها با ایجاد تشکل‌های مستقل کارگری مخالفند، بلکه حتی وجود تشکل‌های دولتی را نیز، که به نام کارگران عمل می‌کنند، تحمل ندارند. در قانون کار از سه نوع تشکل نام بدهد شده است: «شوراهای اسلامی کار»، «انجمن صنفی» و «نماینده کارگری».

«شوراهای اسلامی» با «بازوی قدرت مند مدیریت» هستند و اساسی ترین و ظایف آنان ها عموماً تعدیل و یا تحریف خواسته‌های کارگران است. محمد سلامی^۱ که خود در تدوین قانون کار و احتمالاً در تنظیم قانون شوراهای اسلامی کار نقش مهمی داشته است، در صحابه‌ای با روزنامه توفیق شده سلام (اسنده ۷۱) می‌گیرد که اکثر وظایفی که به عنده شوراهای اسلامی گذاشته شده «در واقع این‌ها را عمله کارفرمایان یا مدیر کرده است» و «در واقع شورا در خدمت مدیریت واحد است تا واحد را بهتر اداره کند».

با این وجود بیان هم در اکثر واحدها، کارگران این انتظاه را ایجاد نمودند.

مالیاتی از دیگر سیاست‌های حایات از منافع کارگران بیان بوده است. از همه مهم‌تر، بی حقوقی کارگران از طریق جلوگیری از ایجاد تشکل‌های مستقل کارگری و مقابله با اعتراضات کارگری، قانونیت یافته است. در عین حال ایجاد تشکل‌های سرایه‌داران مورد تشویق قرار گرفته و با تصور قوانین متعددی از وحدت کارفرمایان حایات می‌شود.

در چند وزارت خانه و نهاد دولتی تمهیلاتی در این زمینه برای کارفرمایان فراهم شده است. وزارت کار از تشکیل انجمن‌های صنفی کارفرمایان حایات می‌کند. وزارت صنایع نیز دستورالعمل تشکیل انجمن‌های صنایع همگن را ابلاغ کرده است. مدیران صنایع می‌توانند علاوه بر انجمن صنفی که در وزارت کار به ثبت می‌رسد، انجمن صنایع همگن را نیز تشکیل دهند. وزارت تعاظون نیز از تشکیل سندیکا یا انجمن صنعتی حسابت می‌کند. کارفرمایان می‌توانند تحت قوانین و مقررات سه وزارت خانه مذکور تشکیلات خودشان را ایجاد کنند. همچنین در قانون نظام صنفی، تشکل‌های دیگری تحت عنوان اتحادیه منطقه‌ای صنعتی، اتحادیه مرکزی صنعتی، مجلس امور صنفی و شورای مرکزی اصحاب پیش‌بینی شده است که فعالیت‌های صنعتی - تولیدی را نیز در پیگرد می‌گیرد. با استفاده از این قانون نیز گروهی از سرمایه‌داران توانند تشکل‌های خود را تأسیس و تحت حسابت وزارت مضاعف بر کارگران شده است. در کارخانه‌ها و واحدهای تولیدی ساختگیری‌ها افزایش یافته، مقررات انتظامی تشدید شده، فشار و شدت کار بالا رفته، جریمه کردن کارگران به بهانه‌های گوناگون رواج پیدا کرده، و مدیران با وضع آئین‌نامه‌هایی بر تعداد و تشکیل اتحادیه‌ها و سندیکاهای تولیدی می‌جزیم. جریمه‌ها افزوده‌اند. تحت عنوان «تعديل نیروی انسانی» کارگران باسابقه و رسی را به عنوان «نیروی مازاد» بازخرید یا بازارشته می‌کنند تا دوباره همین «نیروی مازاد» را به عنوان کارگر موقت به کار گماراند.

کارفرمایان ایجاده نامیس این «سورا» را تقداده و نمی دهند. و هنوز هم سردمداران این «سوراها» مثلا از این می نالند که: «در شاهزادگان و رامین مسئولان شهرداری ها، روعن بنایی در این، آب و فاضلاب و چند واحد دیگر اجازه نمی دهند که در این واحدها شورای اسلامی کار تشکیل شود. چرا باید در واحدهای تحت پوشش وزارت خانه های نیرو، دفاع، کشور و نفت، شوراهای اسلامی کار تشکیل نشود» (کار و کارگر، ۱۳ دی ماه ۷۷) و یا «شاکری» عضو شورای اسلامی استان لرستان می گوید: به دلیل عدم موافقت مدیران، بیش از نیمی از کارگران واحدهای تولیدی لرستان فاقد شورای اسلامی کار هستند (کار و کارگر، ۲۸ بهمن ۷۶).

اما در مورد «انجمن صنفی»: طبق ماده ۱۳۱ قانون کار، کارگران مشمول این قانون می توانند انجمن صنفی تشکیل دهند. ولی این نامه موضوع تبصره ۵ همین ماده حاشیه ای، واپسگی مطلق این انجمن ها را به وزارت کار و کارفرما تجویز می کند. در واقع این تبصره همان نقشی را که مثلا شورای نگهبان در انتخابات مجلس اسلامی دارد، به وزارت کار و نماینده کارفرما می دهد ارجوع شود به فرهنگ توسعه، شماره های ۳۵ و ۳۶، ص ۱۳). زیرا طبق آن صلاحیت نامزدهای نماینده کارگران، باید توسط هیئت سرکب از نماینده کارگران و نماینده کارفرما و نماینده وزارت کار سوره بررسی و تائید قرار گیرد. در غیر این صورت هرگونه انتخاباتی برای تشکیل انجمن صنفی غیرقانونی محسوب می شود. بنابراین فعالیت این انجمن ها باید قبل از هر چیز از نظر نمایندگان کارفرما و وزارت کار صالح تشخیص داده شوند و از صافی آنها بگذرند. اما باز هم در واقعیت، سرمایه داران عمل از تشکیل این انجمن های بی جان و کم آزار - که تازه قرار است در چارچوب قانون کار هم عمل کنند - در بسیاری از واحدهای تولیدی جلوگیری کردند. موضوع را از زبان یک کارگر زن بازگو کیم:

«چند وقت پیش در یک کارخانه می خواستند انجمن صنفی داشته باشند، اما توافق نداشتند. آن خواسته را تحقق بخشنده با وجود آن که در قانون کار ذکر شده که هر کارخانه ای می تواند یکی از انواع انجمن صنفی، یا شورای اسلامی یا نماینده کارگری داشته باشد، اما عملاً وقتی کارگران این تقاضا را کردن تا انجمن صنفی تشکیل بدهند با اتواع و اقسام دلایل از آن ممانعت به عمل آمد. در واقع با وجود این که در قانون وجود دارد اما انجمن صنفی چیزی نیست که به راحتی اجازه بدهند چون برای ایجاد چنین انجمن هایی باید وزارت کار تائید کند یعنی نمایندگان تائید بشوند و بعد آنها بر انتخابات نظارت داشته باشند. خلاصه به آنها گفته بودند که صلاح نیست انجمن صنفی، داشته است» (کار و کارگر، ۱۱ بهمن ۷۷).

برای کارگران این است که مجوز قانونی برای اخراج کارگران از واحدهای تولیدی را به این راست. اخراج کارگران سرمایه و کارفرمایان در پیش برده تخلفات پنهان و اشکار کاملاً باز خودداری از پرداخت سهم بیمه کارگران، عدم مراعات شرایط ایمنی و سلامتی در محیط کار، حذف پارهای از مزایایی که به کارگران تعلق می گیرد، حذف تعطیلی پنج شنبه ها، افزایش ساعت کار، حذف همه یا بخشی از مخصوصی مقرر سالانه، خودداری از اجرای طرح طبقه بندی مشاغل، پرداخت دستمزدها به شیوه کارمزدی (کنتراتی) به جای روزمزدی و نظایر اینها از جمله امور جاری و روزمزد شده اند؛ و هر روز این احتجاجات ابعاد گسترده تری به خود می گیرند.

سرمایه دار ایرانی بدون حمایت مسئولان مریبوطه نمی توانست چنین فشار مضاعفی را به کارگران تحییل کند. از نظر مراجع قضائی هرگونه «سریچی» کارگران از اوامر و قوانین خودساخته کارفرمایان جرم قلمداد سی شود و مستوجب کیفر، اما بر تخلفات اشکار سرمایه داران چشم فرو بسته می شود. «محجوب»، دیر کل خانه کارگر، در مصاحبه ای با روزنامه توفیق شده سلام (۷۵ مرداد ۱۳۹۱) اذعان می کند: «عمل به قانون از طرف کارگران سالخورده داش بود، چه آمد؟ کسی از سرنشیت اینان چیزی نتوشت.

گرچه آنکه شتابده بیکارسازی ها بر اثر مقاومت کارگران تا حدودی رو به افول نهاد و آنکه آن کندر شد اما باز دیگر حملات نظریه پردازان «سیاست تعديل اقتصادی» به کارگران افزایش یافت. «تعیین نیروی کار» در واحدهایی که «مازاد نیروی انسانی» دارند، باز دیگر به موضوع فعالیت های تبلیغاتی «کارشناسان اقتصادی» بدل گشت. چه کارشناسانی که در «ستان ساماندهی اقتصاد کشور» گرد امده اند و چه آنها که در خدمت «اتاق بازرگانی» هستند، همگی یک صدا خواهان آزاد گذاشتن دست کارفرمایان در اخراج کارگران شدند. آنها محدودیت برای کارگران همیشه وجود داشته است. و اعترافات کارگران طی چند سال گذشته می بین این امر است. اعترافاتی لسیز از هزاران سوره از شکایات علیه اخراج های خودسرانه توسط کارگران و عدم رسیدگی مقامات قضائی به این تخلفات! به گفته پرویز احمدی - رئیس هیئت مدیره شوراهای اسلامی استان تهران - «تعدد آرای اخراج کارگران در سال های ۷۳، ۷۴ و ۷۵ و ۷۶ به ترتیب مربوط به ۸۷۷۲۱، ۷۷۸۸۸۸، ۹۴۴۹۷ و ۹۶۰۰۰ نفر از کارگران بوده است» (۱). در همین راستا، طبق برنامه تعديل اقتصادی، بسیاری از واحدهای تولیدی را با قیمت های ناجیز و گاما مجانی، به سرمایه داران بخش خصوصی و اگذار کردن و عمل نظارت بر این واحدها و سرنوشت آنها به دست فراموشی سپرده شد.

دادن انواع کمک های ویژه، اعتبارات بانکی یا نرخ سهره پائین (۲) (با توجه به تورم)، برقراری انواع معافیت ها از جمله معافیت های

سخنی بارئیس جمهور و دیکر اصلاح طلبان حاکم

مکالمہ

عبد الرحمن بور

بگذارند. جناح راست بد اندازه کافی مشغول

نامسیدگردن مردم از اصلاحات است.
اصلاح طبلان اگر طالب اصلاحات هستند باید به
مردم تکیه کنند نه بد ولایت فقیه. اصلاح طبلان
یادشان باشد که مردم ایران، کارگران، جوانان،
زنان، کارمندان، روشنفکران، دانشمندان و

افکار عمومی ملی و بین‌المللی، اصلاحات می‌خواهند نه اعلام مکرر و فاداری به برنامه‌ها و وعده‌ای انتخاباتی و قرائت‌های مختلف از اصلاحات. آقای خاتمی آخرین بار در سخنرانی خود اعلام کرد که به امید مردم خیانت نخواهد کرد. ولی برای تحقق اصلاحات، خیانت نکردن کافی نیست بلکه باید امید مردم را با گامهای عملی و جدی پاس داشت. اگر ریاست جمهوری برپاراند، ملت ایران، تمام قدرت از اصلاحات خواهیست خواهد کرد، در برپار خودکامدها و خشونت طبلان خواهد ایستاد و خشونت طبلان را پاسخ در خور خواهد داد. خودکامدها، همه نتیگرانی اشان از این قدرت لایزل ملت ایران است. ملت ایران آفریننده اصلی دوم خرداد و ۲۹ بهمن بودند، باید این منشا پرگ آفرینش و اسازاندنگی و قدرت، باید این منشا اصلی آرامش را دریافت و در تعیین سرنوشت اصلاحات و ازادی یه ان تکیه کرد. باید استراتژی آرامش فعل را به استراتژی فعل تکیه بر مبارزات مسالمت‌آمیز و سازمان یافته کارگران، جوانان، زنان، کارمندان، روشنگران و دانشمندان تغییر داد. نیروی اصلاحات در این نیروهای اجتماعی و در سازماندهی انانها است، نه در جلب یا بی طرف کردن و لی تقدیم. حتی اگر اصلاح طبلان، هنوز به این امید واهی دلسته‌اند که قادر خواهند شد ولی قبیه را بای طرف یا جلب کنند، و اگر هنوز فکر می‌کنند چنین امکانی وجود دارد، تنها راه، مؤثر برای تحقق عینی و عملی آن، کاریست استراتژی فعل فوق است. اینکه بناه ستایل، به خشونت و سرکوب مردم روی خواهد آورد، ناید موجب کم تحرکی و یا آرامش فعل شود. ملت ایران خشونت را با خشونت جواب نمی‌دهند بلکه با پیکار مسالت آمیز پاسخ می‌دهند. عقب‌نشاندن مسایل قدرت و پیشرفت اصلاحات در گرو اتخاذ و کاریست استراتژی پیکار سازمان یافته و مسالمت‌آمیز مردمی است. با «استراتژی آرامش فعل» نه می‌توان جلوی خودکامگی و تعرض مسایل قدرت را گرفت و نه می‌توان اصلاحات را جامد عمل پوشاند. مردم در برپار خودکامگی قرار دارند به مردم متکی شوید. از مردم نترسید.

گشور حمایت کنند، لازم است به مبارزات سازمان یافته و مسالمت آمیز جوانان، زنان، کارگران، معلمان و کارمندان و دیگر اشاره رحبتکش و مدرن جامعه تکیه کنند. تاکید می‌کنم، اصلاح طلبان حاکم، تنها از این طریق می‌تواند قادر خواهد شد، پیشوای مفایی این درست را رسکتند، آنها را به عقب‌نشیونی و اداره کنند، خودکامگی را در هم شکtent و اصلاحات سیاسی و اجتماعی و اقتصادی را جامعه عمل پوچشند. عدم مراجعت و تکیه به مبارزات مردم و عدم حمایت آشکار از فعالیت مسالمت‌آمیز، علتنی و قانونی آزادیخواهان کشور در برابر مفایی ای قدرت به بیانه اینکه مفایی اینقدرت می‌خواهد جامعه را به تشنج و خشونت پکشاند، به بسود اصلاحات سیاسی بلکه بسود مخالفان اصلاحات تمام شده و خواهد شد. تعرض مفایی این درست را، بساید و می‌توان با تکیه بر آزادیخواهان اینقدرت به بیانه اینکه مفایی اینقدرت اقشار و طبقات مدرن جامعه، پاسخ دندان‌شکن اراد. اگر قدرت مفایی مستعرض در لوله‌های فنگ آنها است، قدرت اصلاح طلبان در نزد ملت ایران و در آرای ملت ایران است، البته اگر خواهند. باید این قدرت لایزال را شناخت، سازمانش داد و بطور سازمانیافته، بدرسی و موقع برعهی خودکامگی و انحصار طلبی و استیاد در راستای اصلاحات آزادیخواهانه و مکراتیک بکار گرفت. اصلاح طلبان حاکم اگر تی ریاست جمهوری هستند، ناگزیر از تکیه بر مبارزات سازمانیافته و مسالمت آمیز مردم و آزادیخواهان کشور هستند. باید به تردید و زلزل دار این زمینه پایان داد. با استراتژی رامش فعال و استراتژی گل و لیخند نمی‌توان خودکامگی مفایی اینقدرت را در هم شکست و جامعه را در مسیر اصلاحات سیاسی و اقتصادی دندایت و رهبری کرد. اصلاح طلبان حاکم اگر می‌خواهند در پیشبرد جنبش اصلاح طلبانه و در انتخابات آتی ریاست جمهوری موفق شوند، جایی گرفتارشدن در مبارزات میان جناحی و کوشش برای جلب رهبر، باید بزنامه و وعده‌های انتخاباتی خود را، بصورت لوایح دقیق و روشن مجلس پیرند و تصویب کنند و به اجرا

که نیزوهای سیاسی مخالف دولت، دست از مخالفت خود بردارند و به مخالفین اخته و سر به بیر بد شوند بلکه به این معناست که مخالفین، حق داشت باشند مخالفت خود با نیاهدها و مقامات و برنامه‌ها و سیاستهای دولتی و دولت اهداف و برنامه سیاسی و اجتماعی و تقدیمی خود را، پیشید علی‌الهی، دمکراتیک، انانوئی و مسالمت‌آمیز با مردم کشور خود در ایان بگذارند. حق داشته باشند برای جلب افکار آرای عمومی مردم بست حرث خود با دولت دیگر احزاب رقیب، پیشید و شکل علی و مسالمت‌آمیز و قانونی مبارزه و رقابت کنند. از طریق کاربست چنین روشی است که توسعه سیاسی در کشور ما بطور همگون پیش خواهد بفت. تنها شرط آزادی احزاب و سازمانهای سیاسی، این است که، قواعد دمکراتیک و مسالمت‌آمیز مبارزه و رقابت را - در مناسبات رون حزبی، مناسبات میان احزاب، میان اقوای طبقات جامعه، در ساختار سیاسی و در قدرت سیاسی - پیذیرند و بر آن گردن بگذارند. بخش مسنه نیروهای چپ کشور از جمله سازمان ادبیات ایران خلق ایران اکثریت، و بخش بزرگی از یگر نیروهای سیاسی کشور، سالهای درازی است که این قواعد را پذیرفته و آنرا رعایت کنند. ما دیگر نیروهای سیاسی حق داریم، شهروندان و اقوای طبقات مختلف جامعه در ایان بگذاریم، آرای آنها را بشیوه علی و مسالمت‌آمیز و قانونی بست برنامه، اهداف و میاستها و راهکارهای دمکراتیک مورد نظر نود جلب کیم.

س، حق ندارد در آن دخالت کند. و نیز هر پهلوانی، حق دارد در امور سیاسی کشور خالت کند و دیدگاهای دینی و مذهبی خود را ر سیاست دخالت بدهد یا نهاد. اما وقتیکه کی از ادیان و سذاجه موجود در جامعه، ولایتی و رسمی و قانونی می شود و مبنای اثون گذاری و سیاست گذاری قرار می گیرد، حق شهر و ندان سلب می شود. اعتقادات و افکار یعنی وغیر دینی، نایاب موجب حق ویژه‌ای ای بخشی از شهر و ندان شود. آرزو مکن صلاح طلبان، اصراری بیش از حد برای ماندن ر تناقضات فکری - سیاسی خود نکنند. توسعه سیاسی و جامعه مدنی، بدون وجود مخالف، دون مدارای مخالفین با یکدیگر، بدون تحمل خالقین توسط یکدیگر و بدون وجود شرایط ای رقابت آزاد نیروهای سیاسی مخالف و قیقب با یکدیگر برای کسب قدرت و تقسیم ندرت و اداره دمکراتیک و بهتر کشور و امامه، معنی ندارد. اگر رئیس جمهور محترم و بیگر اصلاح طلبان حاکم، این را حق خود داند که با جناح راست حکومت، بطور زادانه و علني و سالمت آمیز و قانونی به رقابت بپردازند، به چه دلیل عقلانی و بر اساس ادام منطق و حقوق مدنی و دمکراتیک، ما روهای چپ کشور و دیگر نیروهای سکولار امامه حق و اجازه نداریم، بطور آزاد، علنی، سالمت آمیز و قانونی برای اداره دمکراتیک و بتر جامعه و کشور با جناح های حکومتی و با ولت جمهوری اسلامی رقابت کنیم؟ اگر روهای مدافع جمهوری اسلامی اعم از اصلاح طلبان و مخالفان اصلاحات، مدعی رتری دولت و حکومت و برنامه ها و هکارهای سیاسی خود هستند چرا و به چه لیل ما و دیگر نیروهای سیاسی سکولار کشور نین ادعائی نداشته باشیم و به چه دلیلی باید

۴- استقلال دین و دولت
از عوامل اصلی توسعه سیاسی است.
دولتی کردن دین، دینی کردن دولت و نیز
اعمال سلطه دولت بر دین، عاقلانه و
دمکراتیک و آزادیخواهانه نبوده و نیست.
تاریخ جوامع اروپائی تجارت تلغی فراوانی در
زمینه ادغام دین و دولت دارند. کشورهای
سوسیالیستی نیز بخطاط اعمال سلطه بر دین و
نفی استقلال آن و دخالت در اعتقادات
شهر و ندان، بهای سیار سنگینی پسرداختند.
جامعه ما نیز تجارت تلغی فراوانی در این زمینه
دارد. رضاشا با اعمال سلطه دولت بر دین و
دخالت در اعتقادات مردم و محضر رضا شاه با
درآورن ارادی رضاشاد، ضربات سنگینی را
نسبیت جامعه کردن. یکی از عوامل
برانگیختن اشتباع احساسات دینی و مذهبی مردم
در جریان انقلاب بهمن، رفتار دولت پهلوی‌ها با
دین و مذهب مردم بود.

دولت و دین بمثابه دو نهاد، باید مستقل از
هم باشند تا هر کدام مستقلان به وظایف خود
پیردازند. جامعه ایران برای فراز ورثی به
جامعه‌ای توسعه یافته، به دین نوسازی شده
مستقل از دولت و به دولت دمکراتیز شده
مستقل از دین نیازمند است. نهاد دین اگر
نوسازی و از دولت جدا شود، می‌تواند در
خدمت توسعه سیاسی قرار گیرد. اما دین
دولتی شده و دولت دینی شده از موانع مهم
توسعه سیاسی و فرهنگی و اقتصادی و اجتماعی
کشور است. استقلال نهاد دین و دولت بمعنای
نفی دین و مخالفت با آن بعنوان وجودنیات
شهر و ندان نیست بلکه احترام به حق مدنی
شهر و ندان در انتخاب آزادانه دین و عقیده و
جهان‌بینی و اندیشه فلسفی و سیاسی توسط
خود آنها است. دین اگر نوسازی شود و از حالت
قانون دولتی و فرمان حکومتی در بساید و
مستقل از دولت گردد، می‌تواند در سلامت
اخلاقی جامعه نقش مشت ایفا کند. ولی وقتیکه
دین دولتی و دولت دینی و فرمان ولی فقیه،
فرمان حکومتی می‌شود، روان شهر و ندان و
جامعه، تحت فشار و تخریب روزمره قرار
می‌گیرد. دولت دینی و دین دولتی شده، مغایر با
حق شهر و ندان در انتخاب دین و عقیده و
اندیشه سیاسی است. انتخاب آزادانه دین و
عقیده و اندیشه‌های فلسفی و سیاسی، جزو
حقوق مدنی شهر و ندان است. شهر و ندان حق
دارند هر دین و عقیده و مرام و اندیشه‌ای را که
خود صلاح می‌دانند، انتخاب کنند و با هر خدای
و به هر شکلی که دوست دارند، را از نیاز
بکنند یا نکنند. دین امر شخصی است و هیچ

گروههای فشار عواملی ضد مدنی

۱۰ صفحه از ادامه

ترجیح می‌دهند متکلم وحده باشند. آنها احساسات را جایگزین عقل در روابط اجتماعی می‌کنند و مدعی هستند که حقیقت منحصر نیزد ایشان است و مأموریت دارند پیگران را به «ای خوکان» به آجرار یه کیش خود در آورند و روانه بجهشت سازاند. این رفتار ضدمندانی مقاومه و تعامل موثر و زیانده میان افراد را ناامسک می‌کند و جامعه را از دست یابی به وفاق محروم می‌سازد. همچنین منکر حقوق فردی به عنوان شروط اولیه برای زندگی است.

این گروه مدعی هستند که خدا تنها با آنهاست و با امداد الهی سرانجام خواهند توانست دین خود را دین مسلط بر همه زایای جامعه سازند. اینان اصول مدنیت را زیر پا می‌گذارند و برای عقاید و افکار دیگران ارزشی قائل نیستند و تنها در برابر زور، سر خم می‌کنند. یعنی اگر احساس می‌کنند عقیده‌ای پرقدرت تر از آنهاست با آنها مدارا می‌کنند ولی اگر در عقیده‌ای احساس ضعف کنند فوراً آن را سرکوب می‌کنند. به همین علت مواجه با آنها راه حل آسانی ندارد. تنها راه برخورد

خارج از سالن کنفرانس گروههای زنان جمع
منده و حول و هوش مسایل مختلف و تجربیات
بود صحبت کرده و تبادل نظر می‌کردند. میزهای
تابلو و صنایع دستی و نوار و فیلم برقرار بود و
مخصوصی از نویسندها که خود حضور داشتند
تابشان را برای علاقمندان امضا می‌کردند. دو
ماشگاه در دو گالری مختلف دانشگاه برگزار
بود: ۱- بازتابی از درون، ۲- فراسوی
رزها. تقریباً همه شرکت کنندگان در سینمار از
بن دو نویسندگاه دیدن کرده و لذت برداشتند.
در روز یکشنبه فیلمی در یکی از سالنهای
یکگر دانشگاه در باره زندگی گلشیری و به یاد
به نمایش گذاشته شد.

اچارشدن بعضی از برnamدها بود. البته
لوشی در اختیار شنوندگان قرار گرفت که
طالب در آن واحد ترجمه می شد ولی با
دردانی از مترجمان جوان باید گفت که
ترجمهها نارسا بود. بهتر می بود که چکیدهای از
طالب قبل ترجمه می شد. کاری که ما در اروپا
عایات می کنیم. البته در امریکا به زبان
گلگلیسی صحبت کردند در محافای و مجامع
برانی همه گیر است که خوشبختانه در اروپا
بایان مادری هنوز پیشتر حفظ می شود. از این
نند مورد کوچک گذشته، کمیته اجرائی با
خدمات فراوان کنفرانس را به پیش برد.
مسئولیت برگزاری چنین کنفرانسی بی شک
سان نیست و مستلزم ماهها فعالیت شبانه
وزی است. به گزارش بنیاد، سخارج این
کنفرانس هنوز تأیین نشده و کمیته اجرائی به کار
جمع آوری کمک های مالی ادامه می دهد. کمیته
اجرانی مرکب از فریزان تائیدی، جمیله داوودی،
رانه روستا، شراره شاعرخی، مليحه رزازان و
سنانه موسوی بود.

در حول و هوش کنفرانس؛ این کنفرانس خانم پیغمبر عباس طالقانی (اسکوئی) را به عنوان نزمند سال انتخاب و دعوت کرده بود که تأسیفانه ایشان بدلیل نداشتند ویزای دخترش از برگت در کنفرانس عنز خواسته بود.

نتنخاص داشت. شهلا شفیق با بازخوانی خلیلی خاطرات زنان و مردان از زندانهای کوکومت اسلامی به طرح ویژه‌گی های زندان بان پرداخت. در قسمتی از سخنرانیش گفت: «اید فراموش کرد که کتابهای خاطرات زندانیان آزادی نوشته شده. یعنی آنچه که روی کاغذ آید حاصل نگاه زندانی دیروز به خود است ممکن کاری است طاقت فرسا، چون نویسنده بید زندان را در ذهن خود بازسازی کند و خود، بروزش را در زندان بنویسد و نویسنده از برق همین نوشتن به فردآ پل می‌زند. سپس بیت به خانم ملیحه تیره گل (امریکا) رسید لیحجه تیره گل داستان نویسی زن ایرانی را در رض بیست سال تعیید نکرد. آخرین سخنران آنام مردم متبین دفتری (فرانسه) بود که در باره شمندان را آینده وضعیت زنان ایرانی در عرصه یافای، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و خانواده و دخانیات متبین دفتری ابتدا از خود و از ایالت های خود سخن گفت و سپس مسروی شست به تاریخ از زمان مصدق تا بعد. به علت ولایت بودن متین، متأسفانه نتوانست حتی مقدمه سخنرانی خود را به اتمام پرساند. باید که نظر شرکنچه بنیاد بود.

در انتهای لازم می‌دانم که بعنوان یک رکت‌کننده به سهم خود از بنیاد و همکارانش و چنین از سخنرانان برای برگزاری چنین نظرخانه‌های مفید و آموزندۀ تشکر کرده و حماستان را رنج نهاده و آرزوی مساقیت

گزارشی از کنفرانس....
ادامه از صفحه ۵

جنبش حق خواهی زن ایران و جهان بازشناسیم؟ پاسخ به اینگونه پرسش‌ها به گمان من در سر در گمی زنان لاییک ایران در مرحله کنونی و در پرابر چالش‌های جدی این لحظه تاریخی نقش بس مهمی داشته است. یک چیز مشخص است: مادام که حکومت دینی در مملکت ما پایه‌گذشت زن ایرانی از حقوقی انسانی، شأن اجتماعی و پرایری یا مرد پرخوردار نخواهد بود چه رسید از رهائی. سپس دکتر زانت آفاری (آمریکا) در باره نسل جدید روزنامه‌نگاران زن ایرانی و مقوله فمینیسم سخنواری کرد. دکتر آفاری گفت: برای محقق تاریخ که بتواند بحث آکادمیک داشته باشد باید حداقل ۵۰ سال از مقوله‌ای پیگذرد و از تب و تابش کاسته شود تا بعد بتوان آن را از دیدگاه تاریخی تجزیه و تحلیل کرد. بد عنوان تاریخ‌نگار اول نگاهی به قرن و بعد به دوره بیست سال آخر داشت. او گفت که در قرن بیست همیشه مقوله فمینیسم در ایران در چهارچوب خور مطرح شده. یعنی در مقوله دمکراسی، در مقوله سوسیالیسم و لیبرالیسم و حالا هم در پسا استعماری، پست کلونالیسم و پست مدرنیسم. این چیز جدیدی نیست. اما طور خلاصه تولد فمینیسم در ایران همراه بود با تولد زورنالیسم در ایران که این با انقلاب مشروطه شروع می‌شود.

برنامه هنری شنبه شب موسیقی و رقص بود. یکشنبه ۱۸ یونی میزگرد در مورد ادبیات زندان برگزار شد. سخنران اول شهلا طالبی (آمریکا) بود. شهلا با انشاء سیار زیبا، زندگی و تجربه زندان و مبارزات زنان در زندان بر علیه مرگ حسی، انجام دهن و عدم امکان تغیر درونی، قبل از مرگ فیزیکی را توصیف کرد. و از زوایایی مبارزه زندانیان سیاسی زنان ایرانی را با مبارزات فمینیست خارج از زندان همچومن و همسو خواند. موضوع صحبت شهلا شفیق (فرانسه) به (روایت زندان صدای زنان)

آینده صلاح است داد! این هرگز به معنای آن نیست که ما ایده‌الهائی برای آینده و برداشت‌هایی از حال نداشته باشیم. اما اگر بنای این لحظه را به انسان فعلی بسپاریم و تواخیم اهداف جادوگرانی و وظیفه نسل‌های آینده را بر دوش او یا خود پکناریم، از امکانات امروز برای تغییر در همین روز بهره می‌گیریم، و این حکم علی‌رغم راکه داشت مارکسیست نیز تصویب می‌کرد، می‌پذیریم که: هیچ پدیده غیرقابل تغییری نمی‌تواند موجود باشد حتی اگر یک حکومت استبدادی باشد! و لابد باورکردن این امر دشوار نخواهد بود که تغییرات انجام شده همیشه تغییرات بیشتر و بعدتر را بایجاب می‌کند. یعنی کافی است که ما به ممکنات پیروزی‌سازیم و مسکات در زمان پیشرونده و پایان ناپذیر هستند؛ و یعنی اصلاحات امریست که در طول تاریخ چاری می‌شود و هرگز پاسیان و کفایتی تغییر نداشت.

بر این باورها اگر بودیم بدینه بود که در دوم خرداد درستی شرکت در انتخابات به سود خاتمه قطعی بود، و سپس شرکت در انتخابات شوراهای و مجلس گام‌های درست سیاسی بودند. باید آن اعتقاد و آن باوری در اصلاح طلبان به وجود باید که پیوست به جریان و پیشبرد آن را به منزله یک وظیفه مبارزاتی پذیرنده و بجای پرداختن به اما و اگرها با تمام نیرو در تدارک آن باشند. چگونه بود که با تفسیر انقلابی و تصمیم به سرنگونی لحظه‌ای درنگ نمی‌کردیم که مثلاً اگر گشاشی در امور پیش باید، یا اگر خشونت یا دیکتاتوری یا گرفتاری که برای حل آن کمر به سرنگونی بسته‌ایم، تخفیف باید، در تئوری انقلابیان چه تجدید نظری بکنیم؟ ولی اینک که اصلاحات با خواستها و امیدهای میلیون‌ها مردم مانیز پیوند خورده است، داشتا در میان ماساکرانی هستند که بگویند و هشدار بدند که: اگر اصلاحات پیش نرفت.... اگر مردم خشم‌شان خروشید....

گر نشکه که بشود؟

من ایمان دارم که آن تفکر مبتنی بر حل هر مشکلی از راه حذف کلی و در نهایت «براندازی» که در تمامی تاریخ ایران و جهان تاریخی مردم ماریشه دارد، همان تفکری که در تاریخ ایران هر سلسه‌ای را با قتل و قمع و کشتن و کورکدن حتی اطفال سلسه قبلی به حکومت رساند، همان تفکری که پسند را برای ترتیب فرزندش به کشتک زدن راهبر می‌شد، عامل موثری شد که در ایران پیش از انقلاب به گنجای گسل نیرو به سمت تعدیل دیکتاتوری شاه و بازکردن افق هایی به سوی آزادی، همه نیروی اندیشه و عمل معطوف اقلایی با این همه تبعات خسران بار گردید. این راه حل در وجود اجتماعی ما مشکل کرده بود. روشنکر و انسان آزاده امروز اگر اولین هدف خود را تخفیف الام و مصائب زمانه خود قرار داده است باید بداند که اولین و دائمی ترین تکلیف او دفاع از صلح است و جستجوی راههایی که اگر دیرتر شم به مقصد می‌رسد اما با مصائب انسانی کمتری برسد. این امید البته در جامعه جوانه زده است که در جهانی که جان و سلامت گل و گیاه و حیوان ارزش معنوی یافته، جان شریف انسان وقف تغییر شرایط نگردد که گویا هم برای خاطر اوست! و اصلاح طلبان برای آنکه هر از گاهی و در پی هر رکود یا وقایه‌ای دچار نالمیدی نگرددند و حیران شوند باید بداند که آنچه که امروز در ایران می‌گذرد جنبش اصلاحات است و نه انجام اصلاحات و تا مردم با تمام قوا و با محکم ترین رازدها از آن پشتیبانی نکنند، آغاز واقعی خواهد یافت. و در پایان سخنی یا یارانی که از سر صداقت به عدم پیشرفت اصلاحات و قوع انقلاب هشدار می‌دهند و آن اینکه: تاماً انقلاب را در ذهن و اندیشه خود جواب نگوئیم و تا اصلاحات را به عنوان تنها راه فراورفت از مشکلات باور نکنیم، البته که خطر انقلاب فرع نخواهد شد و جریخه اصلاحات به راه خواهد آمد.

ب: نیروهای هوادار اصلاحات، (اصلاح طلبان) نیروهای سازنده این جریان را، جدا از افراد و اشخاص مغفول و مستقل از تشکل‌های سیاسی که کمیت قابل توجهی است، در اشكال سازمانی و حزبی اینگونه می‌توان شمرد:

۱- حزب دمکراتیک مردم ایران، که انتقاد و پس‌جدایی از حزب توده ایران هسته اصلی تشکیل‌دهنده آن است. او از گذشته مارکیسیت خود به قاطعیت گسته و سوسیالیسم را در شکل ساختار حکومتی و نظام سیاسی اقتصادی نفی کرده است، و جمهوری دمکراتیک پارلمانی را برای آینده ایران در پر نامه خود دارد. در میان مجموعه نیروهای چپ معطوف به اصلاحات، از منسجم ترین و قابل پیش‌بینی ترین نیروهاست

۲- سازمان جمهوری خواهان ملی ایران که از مبارزان ضدیکاتوری رژیم گذشته و فعلی ایران تشکیل شده است، از سیاست مبتنی بر اصلاحات در ایران دفاع می‌کند، و بر جمهوریت، توسعه، استقلال و دمکراسی در ایران تأکید دارد، و خواهان جمهوری پارلمانی است.

۳- سازمان فدائیان خلق ایران اکثریت: سازمانی که از چپ ترین مواضع در ایدئولوژی و سیاست متولد شد، و در طی بیست سال اخیر، همواره چپ‌ترین لایه‌های فکر و عمل در شکل انشعابات تشکیلاتی از آن جدا شده‌اند؛ در عین حالی که بخشی از اعضای فعلی آن هنوز از علقه‌های مارکیسیتی نگسته‌اند! و دشواری‌هایی که در محاسبه قطعی این نیرو در اردوی جریان اصلاح طلب بروز می‌کند از همین زوایا است. پر نامه او نیز باری، جمهوری دمکراتیک پارلمانی است. نکته قابل تأمل در این سازمان نوعی همگرانی و اتفاق رأی در

شرایط دشوار است که چه در زمانی که اصلاح طلبی وزن تصوریکی در این سازمان نداشت و چه اینکه که به نیروی غیر قابل چشم پوشی تبدیل گشته است، همواره در مجموع، در سمت تفکر اصلاحات عمل کرده است.

اما رنجی که اردوانی اصلاح طلبی از عدم تأثیر خود بر روند جاری می برد، از عدم تعین این اندیشه، در این جنبش ناشی می شود و اتفاقاً از همین ناروشنی مفهوم اصلاح طلبی است که تمور می روید بر نیروی که به جنگ مسلحانه و یا قیام توده ای برای تغییر حکومت متوجه نشود اصلاح طلب است و قطعاً سرنگونی طلب نیست! و از همین بایت هاست که حزب توده ایران یا حزب مشروطه ایران و یا جربان راه توده ممکن است سرنگونی طلب جلوه نکند و یا حتی اصلاح طلب شاخته شوند! حال آنکه «اصلاح طلبی» آن مفهوم سیاسی معینی باید باشد که بر اساس آن حل تسامی مشکلات و ناسازگاری های اجتماعی از راه تضرفات گام به گام و بطيئی صورت پذيرد. و تنها چنین تغیری بنيادی و بی بازگشت خواهد شد. چرا که بنياد، در نهاد و جدان فردی و فرهنگ اجتماعی جامعه است؛ و گرنه با موقی ترین و خیرخواهانه ترین انقلاب سیاسی هرگز نمی توان در جامعه ای که فرهنگ فردی و اجتماعی آن بر استیداد و فشارهای گوناگون فرهنگی و عرفی و اخلاقی استوار است، دمکراسی پایدار ساخت و یا مشارکت عمومی ایجاد کرد. بحث اینچنان که بعضی از دوستان، دوست دارند به اصلاح طلبی نسبت دهند، تنها بر سر انقلاب باخترنیزی یا انقلاب بدون خوبی نیست؛ بحث بر سر خود انقلاب است که فرست این افکنی بینان اندیشه را نمی دهد، و تغیراتی را که مثبت یا اراده گرانی حاکم می کند تا چه زمانی دیگر، کدام اراده ای قهاری، آن را براندازد. و از آن مهمتر باند به ایند و

جمهوری، نیت سرنگونی را در این جریان، به خوبی پنهان می‌کند؛ و نیز این گرایش و اپسکرگا را، که این جریان خواهان بد عقباراند پروسه تحولات سیاسی در ایران است. و این بحث لازم را سریوش می‌گذارد که جنبش اجتماعی در ایران که بزرگترین دستاورش است که قدم نهادن در راهیست که خشم صویعتها و امتیازات غیرمنطقی را خدف کر فته است، جرا پاید هزینه مادی و معنوی مقام سلطنت را باز دیگر پذیرا شود؟! نفوذ این جریان در پخش هایی از فعالان سابق سیاسی که در سالهای قبل از برآمد اخیر سیاسی در ایران مشغول شده بودند دیدنی است. اما این جریان در داخل ایران، به گمان من به لحظات روندی که سقوط سلطنت در ایران داشته است، شانسی نخواهد داشت. ایران با جمعیتی جوان و زیر سی سال، اینک سرزمین کسانی است که دارند پرای زدودن زنگارهای استبداد فردی و امتیازات فراقانونی از دامن جمهوری مبارزه می‌کنند؛ نیروی فعال جوان مملکت اکثرآ در دوران جمهوری به دنیا آمده یا دوران کودکی و عدم شناخت خود را در سلطنت گذرانده است و مسن ترین نیروی فعاله این مملکت همان نسل حدود چهل ساله هاست که سلطنت را جواب گفته است، و بدین دیگر هواداران سلطنت را، سوای آنها که کشور را در اولین فرصت ترک گفته اند، باید در میان بالای پنجاه ساله ها که در پیج کجا، نیروی پیش بزنده هیچ سیاستی، نمی تواند باشند جستجو کرد. با این همه، این جریان معقول ترین و منطقی ترین جریان موجود سرنگونی است. این را، هم در مقایسه با احزاب کمونیستی می توان گفت که هنوز اهداف انقلاب اکثرب را دنیا می‌کنند، و هم مثلاً در مقایسه با سازمان مجاهدین خلق که از هر سلسله ای پرای

منطقی، به سیاست نشان می‌دهند! منظور من از رویکرد کمتر یا بیشتر منطقی، میزان وابستگی آنها به عناصر تغیر پیشین است. یعنی نوعی رابطه معمکوس میان زمانی که آنها در درون چریان اولیه دوام اورده‌اند با میزان وابستگی آنها به تغیراتی های گذشته موجود است. به بیان دیگر هر چه که گروهی بیشتر در کنار خانوارهای اولیه زیست کرده است، عناصر دوران کودکی را که به زعم من چپ‌روی و چپ‌گنگی است بیشتر از دست داده است! و هرچه که زودتر از خانوارهای بریده است عناصر بیشتری از دوران کودکی را در نتیجه اندیشه خود حمل می‌کنند! مقایسه روند تغیرات جریانی مانند «چریکهای فدایی خلائق» که امروز در شورای ملی مقاومت عضویت دارد، با مثلاً «اتحاد فداییان» می‌تواند میان این مفهوم باشد! نزدیکی سیاسی و تشکیلاتی «چریکهای فدایی خلائق» با سازمان مجاهدین خلق نیز نشایش همین نزدیکی در گذشته است! انگار که نوعی «کودکاندگی» در این جا اتفاق افتاده باشد که مانع پروردگاری کامل رشد و بلوغ شود!

۳- بخش سوم از نیروی سرنگونی را می‌توان به حوزه نیروهای معتمد به اسلام و انتقالاب اختصاص داد. شاخص این چریان سازمان مجاهدین خلق است که رسماً اسلام را ایدئولوژی سیاست و مبارزه خود اعلام کرده است. و در همین حوزه با زاویه‌ای نسبت به «تدارک» مسلحانه قیام، چریان موسوم به جماعت اسلامی قرار دارد که حول اقای پی‌صدر رئیس‌جمهور سابق ایران گرد آمده است؛ که آنها تیز هم خواهان انقلاب، و هم دفاع اسلام سیاسی هستند و البته اصلاحات را تیز اگر منجر به حاکمیت انان گرد دنی نمی‌کنند! این معنا، از حمایت اولیه‌ای که آنان از اقای خاتمی کردند، و موضعی که اینک پس از طولانی شدن حضور خاتمی در صحنه سیاسی ایران نشان می‌هند، قابل رویت است! این جموعه به زعم من آشکارا هواهار سرنگونی است.

اما چرا نیروی «آشکار» سرنگونی؟ سرانجام اینکه، به واقع هستند نیروهای که تعقیق جنش اصلاحات در ایران بر پرست منطق گرانی معمول، آنان را و امی دارد که امر اصلاحات را در اندیشه و نظر پی‌زیریند؛ اما ساختار تفکر و جهان‌بینی شکل‌بافته انان، به گونه‌ای سا امر براندواری پیوند دارد که مجموعه راهکارها و سیاست‌های انان تنها راه حل سرنگونی را نشان می‌دهد؛ بخش هایی از بازندهان گان جبهه ملی ایران در اروپا و امریکا زاین شمارند.

یک گروه از توده‌ای‌ها، معتقدان به مشی کیانوری، که تحت عنوان «راه توده» اخیراً به فعالیت‌های خود افزوده‌اند، از نیروهای معین سرنگونی هستند که طبق سنت بزم توده ایران، اصلاحات را راه عبور به انقلاب و قبضه قدرت سیاسی قرار داده‌اند. این گروه در عین اینکه از دولت خاتمی و نیروی موسوم به اصلاحات در ایران به جد پشتیبانی می‌کند، جهان‌بینی سیاسی - اجتماعی او، همان جهان‌بینی حزب توده ایران است؛ یعنی مبارزه اصلی و حذف نهائی را حذف سیستم سرمایه‌داری و برقراری حاکمیت سوسیالیستی می‌بینند و میرم ترین وظیفه اکنون را مبارزه با امپریالیسم امریکا قرار می‌دهد.

یعنی همین سیاست موجود در بخشی از حزب توده که هنوز تحت نام «حزب توده ایران» فعالیت می‌کند. و نوع اختلافی که این دو چریان با یکدیگر دارند، یعنی اختلاف بر سیاست چاری در ایران، به هیچ وجه مفهوم جدیدی نیست. این اختلاف در زمان انقلاب نیز و حتی قبیل از آن در دوره مهاجرت قبیل نیز، در حزب توده موجود بوده است. و این مفهوم بسیار آشکاری است که نیروی این است که خواهان استقرار حستم، سوسیالیسم و براندازی نظام

اصلاح طلب کیست؟

سرنگوئی طلب کدام است؟

مایکل مکهانی

- وزیر اقتصاد آذربایجان - تبریز ۳۷ - انتشارات نوبل - تبریز ۳۶
 - انتشارات ارک - تبریز ۳۹ - انتشارات اندیشه نو - تهران ۴۰ - انتشارات زنده یافا - تبریز ۴۱ - انتشارات پیازان - تبریز ۴۲ - جمعیت دانشگاه‌های آذربایجانی ۴۲ - انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه‌های ارومیه ۴۳ - جمعی از معلمین آموزش و پژوهش ارومیه ۴۵ - جمعی از دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی ارومیه ۴۶ - جمعی از دانشجویان دانشگاه تبریز ۴۷ - جمعی از دانشجویان دانشگاه ارومیه ۴۸ - جمعی از روزنامه‌نگاران آذربایجان غربی ۴۹ - مهندس علیرضا صرافی - علی ملازاده ۵۱ - مهندس ابراهیم رفوف ۵۲ - عضو هیات علمی دانشگاه ۵۲ - مهندس محمود علی چورگانی ۵۵ - دکتر جمال هوشک عطابران ۵۴ - دکتر محمود علی چورگانی ۵۵ - دکتر جمال آبریمو ۵۶ - رسول کامرانی ۵۷ - بهرام اسدی ۵۸ - مهندس حسن راشدی ۵۹ - اکبر آزاد ۶۰ - حمید ارش آزاد ۶۱ - دکتر آخشنین آغکمردان ۶۲ - محمد رضا هشت ۶۳ - مهندس محمدزاده فارس ۶۴ - اسماعیل هادی ۶۵ - حسین محمدخانی گوتلیبی ۶۶ - گروه فرهنگی ۶۷ - هنری چیکلار ۶۸ - خاله مطبوعات آذربایجان غربی ۶۸ - بهروز ایمانی ۶۹ - یعنی شیدا ۷۰ - قاسم نرگان

- دکتر اکبر اعلی - نماینده تبریز ۲ - دکтор صدیقی - نماینده بناب ۳ - نهادن حسین زاده - نماینده میاندوآب، تکاب و شاهین‌دز ۴ - محمود یکانی - نماینده ارومیه ۵ - محمد عباس پور - نماینده ماکو ۶ - علی ابری آقانی - نماینده سلماس ۷ - حجت‌کش نماینده آستانه ۸ - ولی آذربوش - نماینده اردبیل ۹ - شهریار و اسانی - نماینده ارومیه ۱۰ - چهارپوش محبی‌لنا - نماینده میاندوآب، تکاب و شاهین‌دز ۱۱ - باقر امامی - مرند و چلغان ۱۲ - احمد حکیمی پور - عضو شورای شهر تهران ۱۳ - دکتر جواد هشت ۱۴ - دکتر حسین محمدزاده صدیقی ۱۵ - دکتر حسین فضل‌الله وحید ۱۶ - دکتر علی حسین زاده ۱۷ - دکتر قدری لکلکاریان ۱۸ - هفت‌نامه نوید آذربایجان - ارومیه ۱۹ - هفت‌نامه احرار - تبریز ۲۰ - هفت‌نامه فردای سا - ارومیه ۲۱ - هفت‌نامه بیام سا - تبریز ۲۲ - امید زنجان - زنجان ۲۳ - شمس تبریز - تبریز ۲۴ - فصل‌نامه اولرق - تهران ۲۵ - هفت‌نامه امانت - ۲۶ - هفت‌نامه آواز اردبیل - اردبیل ۲۷ - هفت‌نامه سدای ارومیه - ارومیه ۲۸ - آواز ماکو ۲۹ - ندای آذربایجان - تبریز ۳۰ - فردای روشن - زنجان ۳۱ - پیک آذ - زنجان ۳۲ - ماهنامه چیچک - تهران ۳۳ - هفت‌نامه ندای سلوزو - ارومیه ۳۴ - هفت‌نامه رصد - مراگه ۳۵ - هفت‌نامه ارک - تبریز

مورد اینکه امروزه عده‌ای از نژادگران ایان و آشوب طلبان قومی خاص با تاسی به اسلاف خود می‌خواهند در منطقه آذربایجان غربی معضل قردباغی دیگر را محتمل اذربایجان نمایند و در این گوشش از خاک عزیز کشورمان نخوست و شومی چندین دهه قبل پدوانشان را تکرار نمایند که زاد و ولدهای بی حد و حصر و هماجorts های بی رویه و نیز ادعای های کذب و بی پایه و اساس یکی از نمایندگان مجلس و چند نویسنده دیگر که دولت باید برای آن تدازیری را اتخاذ نمایند شاهد ادعای ماست.

۸- بکارگیری نیروهای توانستد بومی آشنا به مبانی فرهنگی منطقه در مدیریت سیاسی و اقتصادی منطقه آذربایجان به ویژه در سطح مدیران ارشد.

والسلام با آرزوی موفقیت‌های روزافزون برای شمارنیس جمهور فرهنگ دوست در تمامی عرصه‌های جهانی.

فرهنگی که اشاعه فرهنگ و زبان ترکی را در سر لو جه برناهدهای خود قرار داده اند.

۴ - ایجاد فرهنگستان زبان ترکی در چهت پسپویاتراختن زبان ترکی در کنار دیگر زبان های عالم اسلام (عربی - فارسی)

۵ - اختصاص یافتن یکی از شبکه های تلویزیونی به زبان ترکی در کنار زبان فارسی با این تذکر که امروزه در کشور ما بیش از سی میلیون نفر به این زبان تکلم می نمایند.

۶ - توجه به مشکلات اقتصادی و معيشی منطقه آذربایجان که متأسفانه در چند سال اخیر شاخد اجحاف های زیادی از این حیث در جامعه هستیم و روز به روز هرچه دشتهای کویری کرمان، رفسنجان و ... شکوه و عظمت پیدا می کند، بر فرق و نداری مردم آذربایجان که مقام معظم رهبری نیز در سفر اخیر خود به اردبیل به گوشدای از آن اشاره نموده اند، افزوده می شود.

۷ - هشدار به مقامات سیاسی کشور در

نامه جمیع از.....

لارا لارا

اساسی و تحصیل و تدریس زبان ترکی در تمامی سطوح از ابتدائی تا عالی ترین سطح

۲- اجرای بند نهم از اصل سوم قانون اساسی که با صراحت از «رفع تبعیضات ناروا و ایجاد

امکانات عادلانه برای همه در تمامی زمینه‌های مادی و معنوی» سخن رانده است که متساقانه بخواهی افاقت از حلمه از افزونی دارد.

پس از اینکه رئیس ایوانی با ترویج سیاست
نژادی، تبلیغات بسی موردنی را بیویزه در
زمینه های معنوی نسبت به آذربایجان و مردم
کار خواهد کرد.

ترک زیان به عمل اورده است و هیچگونه
امکانات در بخش‌های فرهنگی در اختیار مردم
آذربایجان قرار داده نشده است.

الگوهای آزادی در جهان مدرن

ترجمه: ا. د.

فستیو

البریت و لمبر

بیهوده) که، برای یک کمون‌گرای جالب است، این است که آن را همچون توصیف جاعه به بروزوابی در معنای هنگلی می‌توان استنباط کرد. ولی وقتی این ساخت نظری را به این معنا فهمید، یعنی همچون مشروعت قلمرو آزادی منفی در جهان مدرن قلمرو آزادی منفی که ساختاری مستثناوت و به اعتباری مستقیم از حوزه

کمون‌گرایی آزادی عمومی است، بازهم می‌توان تلاش کرد ساخت نظری نوزیک را همان سان دریافت که هنگل ساختهای نظری حق طبیعی را فهمید: یعنی به متنزله و اگریکی یک پیدایی آزادی در دنیا مدرن، به متنزله آزادی منفی ای که، بندنهای مستقیم اجتماعی یان افراد از طریق آن از میان رفته و هم‌زمان پیش شرط هایی برای آن شکل - چنان شمولانه و دمکراتیک - انتعاسی همبستگی ایجاد می‌شوند، که یگانه اختلال در دولت مدرن است. پس این سوال پیش خواهد آمد آیا کن برداشت کمون‌گرایی از آزادی، در معنای های برابر ماس، به اندازه کافی قدر است این بعد از آزادی منفی را مد نظر قرار دهد و یا آیا ایدئولوژی لیبرال محتوی یک حقیقت مستقل است که پر پرداشت باشد برای کن برداشت کمون‌گرایانه از آزادی بیوند شود.

برای توضیح اصل قضیه، به امکان مستثناوت را از یکیگر بازمی‌شناسیم، چه گونه می‌توان مشکل مشروعيت حوزه آزادی منفی را از دیدگاه کمون‌گرایی علاج کرد. دو سخن اول به همچوچه مشروعيت تقدم چشم‌انداز کمون‌گرایی، یعنی تقدم یک اراده مشترک دمکراتیک، را زیر سوال نمی‌برند؛ فقط سویین سخن، هر چند در مشروعيت تقدم چشم‌انداز کمون‌گرایی واقعاً تردید نمی‌کند،

ولی آن را در پرتو جدید قرار می‌دهد.

اوپین سخن مشروعيت بر ظرفیت های هدایت بازار آزاد تأکید دارد. بر نامه مریزی دیوان سالار یگانه چایکری کنن تقدیر از این بین، نایابی هدایت اقتصادی بازار می‌شناسیم. و امور از ظواهر امر چنین برمی‌آید که این مورد تلافی چهانی است که مکایسیم بازار تا جایی که بازاردهی از هیئت تولید و توزیع کالاها (ارزش‌های صرف) از نقطه نظر نیازهای بالقوه مصرف‌کنندگان این نیازها است. در «زیر سیتم» اقتصادی ترکیب نهادی، اشکال زندگی، تصوری از وضع تخلی جامعه ارائه نمی‌دهد.

برای چارچوب برای این نیاز، قیاس به پایان می‌رسد؛ البته این غیر مقتدره نیست زیرا در نوزیک و هایبریماش شکل و محتوا به طرق بسیار مشتق است. در این نیاز، اشکال زندگی، اشکال همکاری و چهارین - مشخص نمی‌کنند. در مورد نوزیک، این فرا - اصول، آزادی های منفی هستند که به حقوق مالکیت مستقر کرده است، در مورد هایبریماش، اصول گفتشان عقلانی هستند، در مورد هر دو مورد، فرا - اصول معنی از همچوچه حقوقی از وضع تخلی جامعه ارائه نمی‌دهد.

بلکه - چنان سان که نوزیک تحریم کنند - از یک «چارچوب برای این نیاز». یک «متا - اتوبیا». شرایط صوری آزادی، در هر دو مورد، پیش‌شرطهای جامعه ساهیتا تکشیر گرایی را تعریف می‌کنند، فرا - اصول های تحریم می‌کنند

کدام شرایط باید اجرا شده باشد، تا بستان

معنواتی را مشروع نماید. و تاجیگی که در این نیاز، قیاس به پایان می‌رسد؛ البته

انعطاف پذیری و بازدهی اش را به اثبات رسانده است. به همین جهت، چون این قضیه کمی به عقل‌دانش عقلانی است یا زاده اصول حقوق

مالکیت. فرا - اصول هایی چنان قلقلانی، فراتر از همه اصول نهادینه کردن آزادی عمومی و

دست کم بالقوه - دمکراتیک تفسیر کرد. این جا به تقدیر اشکال زندگی کمون‌گرایی در معنای مستقیم پای فرشته داشت - یعنی توافق واقعی - با

به تقدیر اشکال زندگی که متنزه از آزادی مدنی در معنای کنندگان

نمایندگان کارکردهای هدایت به بازار - همچون یک حوزه آزادی منفی - را داشت -

می‌شود هم به متابه نتیجه بالقوه یک روند

تصمیم‌گیری دمکراتیک در نظر گرفت، و هم از

طریق مقدید شدن آن، این سخن مشروعيت حوزه

کنن «استراتژیک» اقتصادی همانی است که

هایبریماش در توری کنن ارتباطی خود ادغام

کرد است.

در مقام مقایسه، سخن دوم مشروعيت به سخن

اول نزدیک است، هر چند در آن مساله اصلی

تها متشکل عدالت تویزی است. مراد من از

این قضیه دومن اصل تویزی ناعلاذه است که به

سود نایخوردار ترین افاده جامعه بیانجامد. از

آن جای که این اصل اشکارا اهمیت خاصی

برای منکل بی عدالتی دارد که با اقتصاد بازار

و قبل از هر چیز با اقتصاد سرمایه‌داری گره

خورد است، به نوبه خود توانتست همچون

یکشی از دلیل تراشی برای کمون‌گرایی حوزه

آزادی (اقتصادی) منفی درک شود.

فقط سوین استدلال اثبات حوزه آزادی

منفی معرف مشکل خاصی از چشم‌انداز

کمون‌گرایی است. مقصود من همان قسم

استدلالی است که مکل با استناد مستقیم به سنت

حق طبیعی استفاده کرد. البته استدلالی، که

مکل به دلیل دیگری است که من ذکر کردم.

ولی تا آن جا آن آنها فرق دارد، وقتی این

که این نکته را پارادکشن بیان کنم - چنین مثبت

آزادی منفی را در صفت مقدم قرار می‌دهد.

آزادی منفی، یا ممان طور که هنگل این را نامید

- آزادی « مجرد»، این جا همچون « لحظه» و تا

معنای مورد نظر هایبریماش سیار منسجم تر است. دلیل در همین نکته، لک یا

کات برداشتی از حکومت انتخاباتی (و هابس

برداشت دولت همچون لوبیاتان) را تکامل

داده اند. در بادی امر و از دیدگاه فلسفی، هم

شاده شود. درست در همین نکته، لک یا

ازادی منفی را در صفت مقدم قرار می‌دهد.

آزادی منفی، یا ممان طور که هنگل این را نامید

- آزادی « مجرد»، این جا همچون « لحظه» و تا

معنای مورد نظر هایبریماش سیار منسجم تر است. دلیل این که چرا من با این حال در طرح

نظری نوزیک چیزی می‌بینم (و نه فقط چیزی

مداعی یک برداشت فردگرایانه برگزیده و

هایبریماش را به عنوان مداعی یک برداشت کمون

گرایانه انتخاب می‌کنم. هایبریماش را به این جهت

انتخاب کردم چون تئوری وی پرمایه ترین و

اصیل ترین پیازسازی نظری یک برداشت

کمون‌گرایانه آزادی را تصوری می‌کند که امروز وجود دارد؛ نوزیک را به این جهت برگزیدم

چون کتاب وی « آثارشی، دولت و اتوپی »

بنیادی انتخاب می‌کند. هایبریماش را به این جهت

نیزیک را بخواهیم تصوری می‌کند که امروز وجود دارد؛ نوزیک را به این جهت برگزیدم

دو نیزیک را بخواهیم تصوری می‌کند که امروز وجود دارد؛ نوزیک را به این جهت برگزیدم

دو نیزیک را بخواهیم تصوری می‌کند که امروز وجود دارد؛ نوزیک را به این جهت برگزیدم

دو نیزیک را بخواهیم تصوری می‌کند که امروز وجود دارد؛ نوزیک را به این جهت برگزیدم

دو نیزیک را بخواهیم تصوری می‌کند که امروز وجود دارد؛ نوزیک را به این جهت برگزیدم

دو نیزیک را بخواهیم تصوری می‌کند که امروز وجود دارد؛ نوزیک را به این جهت برگزیدم

دو نیزیک را بخواهیم تصوری می‌کند که امروز وجود دارد؛ نوزیک را به این جهت برگزیدم

دو نیزیک را بخواهیم تصوری می‌کند که امروز وجود دارد؛ نوزیک را به این جهت برگزیدم

دو نیزیک را بخواهیم تصوری می‌کند که امروز وجود دارد؛ نوزیک را به این جهت برگزیدم

دو نیزیک را بخواهیم تصوری می‌کند که امروز وجود دارد؛ نوزیک را به این جهت برگزیدم

دو نیزیک را بخواهیم تصوری می‌کند که امروز وجود دارد؛ نوزیک را به این جهت برگزیدم

دو نیزیک را بخواهیم تصوری می‌کند که امروز وجود دارد؛ نوزیک را به این جهت برگزیدم

دو نیزیک را بخواهیم تصوری می‌کند که امروز وجود دارد؛ نوزیک را به این جهت برگزیدم

دو نیزیک را بخواهیم تصوری می‌کند که امروز وجود دارد؛ نوزیک را به این جهت برگزیدم

دو نیزیک را بخواهیم تصوری می‌کند که امروز وجود دارد؛ نوزیک را به این جهت برگزیدم

دو نیزیک را بخواهیم تصوری می‌کند که امروز وجود دارد؛ نوزیک را به این جهت برگزیدم

دو نیزیک را بخواهیم تصوری می‌کند که امروز وجود دارد؛ نوزیک را به این جهت برگزیدم

دو نیزیک را بخواهیم تصوری می‌کند که امروز وجود دارد؛ نوزیک را به این جهت برگزیدم

دو نیزیک را بخواهیم تصوری می‌کند که امروز وجود دارد؛ نوزیک را به این جهت برگزیدم

دو نیزیک را بخواهیم تصوری می‌کند که امروز وجود دارد؛ نوزیک را به این جهت برگزیدم

دو نیزیک را بخواهیم تصوری می‌کند که امروز وجود دارد؛ نوزیک را به این جهت برگزیدم

دو نیزیک را بخواهیم تصوری می‌کند که امروز وجود دارد؛ نوزیک را به این جهت برگزیدم

دو نیزیک را بخواهیم تصوری می‌کند که امروز وجود دارد؛ نوزیک را به این جهت برگزیدم

دو نیزیک را بخواهیم تصوری می‌کند که امروز وجود دارد؛ نوزیک را به این جهت برگزیدم

دو نیزیک را بخواهیم تصوری می‌کند که امروز وجود دارد؛ نوزیک را به این جهت برگزیدم

دو نیزیک را بخواهیم تصوری می‌کند که امروز وجود دارد؛ نوزیک را به این جهت برگزیدم

دو نیزیک را بخواهیم تصوری می‌کند که امروز وجود دارد؛ نوزیک را به این جهت برگزیدم

دو نیزیک را بخواهیم تصوری می‌کند که امروز وجود دارد؛ نوزیک را به این جهت برگزیدم

دو نیزیک را بخواهیم تصوری می‌کند که امروز وجود دارد؛ نوزیک را به این جهت برگزیدم

دو نیزیک را بخواهیم تصوری می‌کند که امروز وجود دارد؛ نوزیک را به این جهت برگزیدم

دو نیزیک را بخواهیم تصوری می‌کند که امروز وجود دارد؛ نوزیک را به این جهت برگزیدم

دو نیزیک را بخواهیم تصوری می‌کند که امروز وجود دارد؛ نوزیک را به این جهت برگزیدم

دو نیزیک را بخواهیم تصوری می‌کند که امروز وجود دارد؛ نوزیک را به این جهت بر

انسان‌ها صرف‌خود را رعیت منفعت نظام حاکم تلقی نکنند طبیعتاً ما بانوی رفتار توده‌دار مواجه خواهیم شد. رفتار توده‌دار، برآیند کنش تصادفی افراد جدا از یک دیگری است که در یک عمل سیاسی خاص گرد هم آمدند. این افراد بر اساس یک برنامه و سیاست از پیش طراحی شده گرد هم نمی‌آیند، بلکه یک هدف موردنی و یک تصادف اینها را در کنار هم قرار داده است. گردد هم‌آینه‌ای های این توده بی‌شک عمدتاً عکس‌العملی است به این معنا که آنها فقط در مقام نفی رفتارهای سیاسی عقلانی می‌توانند گرد هم آیند. فرض عکس‌العمل در برآبر رفتارهای سیاسی غیرعقلانی (نه لزوماً ضدعقلانی) منتفی است، چون این گروه‌ها معمولاً گروه‌های از سنت خود را کنترل می‌توانند تتحمل کنند و برخورد خشن تری با آنها دارند و لذا نمی‌توانند یادان ظهور می‌کنند. همچنین اگر کارکردی به مستله نگاه کنند، یک گروه از کارکردها را محقق می‌سازند و دیگر نیازی به تعدد آنها نیست. این مستله از نظر تبیینی برای ما اهمیت دارد که چرا در این سال‌ها فقط با یک گروه از سنت مواجه بودیم در حالی که این نوع گروه‌ها می‌توانستند انسوان و اقسام گوناگونی داشته باشند.

توده بی‌شک (در هر پنهانی از آن) می‌خواهد بر جامعه حکم براند اما طرفی انجام این کار را ندارد. در این خواست انسان توده‌دار، نوعی آسان‌گیری، تقلیل، فرار وی از اخلاق و قانون، اکم‌اطلاعی و گاه بی‌مسئلیتی به چشم می‌خورد.

انسان توده‌دار جامعه‌صنعتی محصول فرایندهای صنعتی شدن و شیوه شدن و پدیده‌های مثل بیکاری، تورم، عدم شمول تامین اجتماعی، تعارضات طبقاتی، جدافتادگی برخی از افراد از نشانه‌های مستقر اجتماعی، فیدان ساختهای واسطه است. اما انسان توده‌دار فرایندهای شکل‌گیری دولت - ملت و هویت‌پایی و تجدو و تقابل نیازها و تقاضاهای نو با انسان و جامعه سنتی است. انسان توده‌دار بد عنوان یک تعبیر نظری تهیه از تقابل با «شیرون» و «قابل فهم می‌شود. (نگاه کنید به جدول)» حضور توده بی‌شک در جنبه‌های توده‌داری و

می‌خورد. در نتیجه این یاس و نومیدی است که مردم در برابر اعمال غیرقانونی این گروه سکوت می‌کنند. حتی افرادی که حقوق آنها در این برخوردها مورد بجاوز و نقض قرار می‌گیرد و عکس‌العمل سیاسی متناسب را انجام نمی‌دهند. تداوم فعلیت‌های حزب‌الله در نومیدی و یاس خود از تحقیق آرمان‌ها به این‌ها را یکباره نادیده می‌گیرند. سوم آنکه یک انقلاب سنت‌گرا که با امریت سخواحد نمی‌دهند. این‌ها را احیا کنند، صرف بر دوش یک گروه کوچک مثل حزب‌الله استوار نمی‌ماند و عموم انقلابیون و مردمی که از انقلاب حمایت می‌کنند را باید سنت‌گرانی و امریت را تائید کنند تا غلبه مردم از مقابله با اعمال غیرقانونی آنان دارد.

امان نومیدی و یاس به تهائی نمی‌تواند به پیداکنند.

این خشونت کلامی و عملی بیانجامد. این نومیدی و یاس ذاتی مسلک‌های تامیت طلب

برای آنها ارائه نمی‌شود. دوم آنکه نه سنت‌گرایان کامل‌لایز مظاهر تجدد می‌گیرند و از آنها فاصله می‌گیرند و نه تعددگرایان همه سنت‌ها را یکباره نادیده می‌گیرند. سوم آنکه یک انقلاب سنت‌گرا که با امریت سخواحد نمی‌دهند. تداوم فعلیت‌های حزب‌الله در نومیدی و یاس خود از تحقیق آرمان‌ها به این‌ها را احیا کنند، صرف بر دوش یک گروه کوچک مثل حزب‌الله استوار نمی‌ماند و عموم انقلابیون و مردمی که از انقلاب حمایت می‌کنند را باید سنت‌گرانی و امریت را تائید کنند تا غلبه مردم از مقابله با اعمال غیرقانونی آنان دارد.

امان نومیدی و یاس به تهائی نمی‌تواند به پیداکنند.

د - حزب‌الله ایدئولوژی اثباتی ندارد و بآمده از مجموعه‌ای از نفی‌ها و انکارهای

فعالیت‌های گروه فوق کاسته شود. در حالی که چنین نبوده است، این گروه در سال‌های ۷۶-۷۲ بیشترین فعالیت را از خود آشکار ساخته‌اند در حالی که در سال‌های اولیه پس از جنگ (۷۲-۶۸) حجم کمتری از این نوع اعمال و رفتارها از آنها مشاهده شده است. دوم آنکه در ایام جنگ نیز همانند دوران صلح، نوعی مدبیریت به وجود می‌آید که نهادها و عقلانیت خاص خود را دارد و نمی‌توان دوران جنگ را بصری خود نمی‌داند. این‌ها را این‌جا نمی‌دانند. پس از این‌جا راهنمایی مطلق شمرد. چنگ با انگیزه یا دقایق، از سطح پی‌رسوسامانی و بی‌خردی نیست. این عبارات تنها علت تداوم فعالیت این گروه را - با اعضا بسیار متفاوت در طی این سال‌ها - ارسبار دانستن چندان سراست نمی‌آید. ارعباب یکی از تابعی کارهای گروهی نیز می‌کشد. ممچین تنها علت چگونگی نفع‌گیری و تداوم آن را توضیح نمی‌دهد. ما در طی این سال‌ها باید از خود پرسیده باشیم که چرا به رغم هراس عمومی از نامنی، توی از تجاوزگری، از جنگ‌گار گروه‌های از شعارها و باورهای این گروه، آنها همچنان به فعالیت‌های خویش ادامه داده و حضور فعالی در صحنه ایجاد رعب و وحشت دارند؟ چرا این گروه بسیار کوچک با قوت و قدرت به

فعالیت‌های خود ادامه می‌دهد و اعمال خلاف قانون آنها نایابه گرفته می‌شود؟ آیا ذکر کمک افراد درگیر در حاکمیت مثل هیکاری اطلاعاتی و تدارکاتی برخی از نیروهای دخیل در حاکمیت، دفاع نظری و تبلیغاتی برخی از گروه‌ها از آن‌ها و ارتباط آنها با برخی از مرکز قدرت، پاسخ سوالات فوق را می‌دهند؟ آیا جانانکه بسیاری موجب شده است که گروهی این پدیده را به صورت عامل جدی تعبات و پیامدهای آن پیداکنند. تدبیری اندیشه شده یا چه دیدگاه‌های وجوده دارد؟ چرا در دوره‌هایی از آنها کاسته شده همراهی انتقال‌ها و چنگ‌ها با تبلیغات سیاسی پرچم، همراهی انتقال‌ها و چنگ‌ها با تبلیغات سیاسی موجب شده است که گروهی این پدیده را به صورت عامل جدی تعبات و پیامدهای آن پیداکنند. تدبیری اندیشه شده یا چه دیدگاه‌های وجوده دارد؟ چرا در دوره‌هایی از آنها کاسته شده همراهی انتقال‌ها و چنگ‌ها با تبلیغات سیاسی پرچم، همراهی انتقال‌ها و چنگ‌ها با تبلیغات سیاسی موجب شده است که گروهی این پدیده را به صورت عامل جدی تعبات و پیامدهای آن پیداکنند. تدبیری اندیشه شده یا چه دیدگاه‌های وجوده دارد؟ چرا در دوره‌هایی از آنها کاسته شده همراهی انتقال‌ها و چنگ‌ها با تبلیغات سیاسی پرچم، همراهی انتقال‌ها و چنگ‌ها با تبلیغات سیاسی موجب شده است که گروهی این پدیده را به صورت عامل جدی تعبات و پیامدهای آن پیداکنند. تدبیری اندیشه شده یا چه دیدگاه‌های وجوده دارد؟ چرا در دوره‌هایی از آنها کاسته شده همراهی انتقال‌ها و چنگ‌ها با تبلیغات سیاسی پرچم، همراهی انتقال‌ها و چنگ‌ها با تبلیغات سیاسی موجب شده است که گروهی این پدیده را به صورت عامل جدی تعبات و پیامدهای آن پیداکنند. تدبیری اندیشه شده یا چه دیدگاه‌های وجوده دارد؟ چرا در دوره‌هایی از آنها کاسته شده همراهی انتقال‌ها و چنگ‌ها با تبلیغات سیاسی پرچم، همراهی انتقال‌ها و چنگ‌ها با تبلیغات سیاسی موجب شده است که گروهی این پدیده را به صورت عامل جدی تعبات و پیامدهای آن پیداکنند. تدبیری اندیشه شده یا چه دیدگاه‌های وجوده دارد؟ چرا در دوره‌هایی از آنها کاسته شده همراهی انتقال‌ها و چنگ‌ها با تبلیغات سیاسی پرچم، همراهی انتقال‌ها و چنگ‌ها با تبلیغات سیاسی موجب شده است که گروهی این پدیده را به صورت عامل جدی تعبات و پیامدهای آن پیداکنند. تدبیری اندیشه شده یا چه دیدگاه‌های وجوده دارد؟ چرا در دوره‌هایی از آنها کاسته شده همراهی انتقال‌ها و چنگ‌ها با تبلیغات سیاسی پرچم، همراهی انتقال‌ها و چنگ‌ها با تبلیغات سیاسی موجب شده است که گروهی این پدیده را به صورت عامل جدی تعبات و پیامدهای آن پیداکنند. تدبیری اندیشه شده یا چه دیدگاه‌های وجوده دارد؟ چرا در دوره‌هایی از آنها کاسته شده همراهی انتقال‌ها و چنگ‌ها با تبلیغات سیاسی پرچم، همراهی انتقال‌ها و چنگ‌ها با تبلیغات سیاسی موجب شده است که گروهی این پدیده را به صورت عامل جدی تعبات و پیامدهای آن پیداکنند. تدبیری اندیشه شده یا چه دیدگاه‌های وجوده دارد؟ چرا در دوره‌هایی از آنها کاسته شده همراهی انتقال‌ها و چنگ‌ها با تبلیغات سیاسی پرچم، همراهی انتقال‌ها و چنگ‌ها با تبلیغات سیاسی موجب شده است که گروهی این پدیده را به صورت عامل جدی تعبات و پیامدهای آن پیداکنند. تدبیری اندیشه شده یا چه دیدگاه‌های وجوده دارد؟ چرا در دوره‌هایی از آنها کاسته شده همراهی انتقال‌ها و چنگ‌ها با تبلیغات سیاسی پرچم، همراهی انتقال‌ها و چنگ‌ها با تبلیغات سیاسی موجب شده است که گروهی این پدیده را به صورت عامل جدی تعبات و پیامدهای آن پیداکنند. تدبیری اندیشه شده یا چه دیدگاه‌های وجوده دارد؟ چرا در دوره‌هایی از آنها کاسته شده همراهی انتقال‌ها و چنگ‌ها با تبلیغات سیاسی پرچم، همراهی انتقال‌ها و چنگ‌ها با تبلیغات سیاسی موجب شده است که گروهی این پدیده را به صورت عامل جدی تعبات و پیامدهای آن پیداکنند. تدبیری اندیشه شده یا چه دیدگاه‌های وجوده دارد؟ چرا در دوره‌هایی از آنها کاسته شده همراهی انتقال‌ها و چنگ‌ها با تبلیغات سیاسی پرچم، همراهی انتقال‌ها و چنگ‌ها با تبلیغات سیاسی موجب شده است که گروهی این پدیده را به صورت عامل جدی تعبات و پیامدهای آن پیداکنند. تدبیری اندیشه شده یا چه دیدگاه‌های وجوده دارد؟ چرا در دوره‌هایی از آنها کاسته شده همراهی انتقال‌ها و چنگ‌ها با تبلیغات سیاسی پرچم، همراهی انتقال‌ها و چنگ‌ها با تبلیغات سیاسی موجب شده است که گروهی این پدیده را به صورت عامل جدی تعبات و پیامدهای آن پیداکنند. تدبیری اندیشه شده یا چه دیدگاه‌های وجوده دارد؟ چرا در دوره‌هایی از آنها کاسته شده همراهی انتقال‌ها و چنگ‌ها با تبلیغات سیاسی پرچم، همراهی انتقال‌ها و چنگ‌ها با تبلیغات سیاسی موجب شده است که گروهی این پدیده را به صورت عامل جدی تعبات و پیامدهای آن پیداکنند. تدبیری اندیشه شده یا چه دیدگاه‌های وجوده دارد؟ چرا در دوره‌هایی از آنها کاسته شده همراهی انتقال‌ها و چنگ‌ها با تبلیغات سیاسی پرچم، همراهی انتقال‌ها و چنگ‌ها با تبلیغات سیاسی موجب شده است که گروهی این پدیده را به صورت عامل جدی تعبات و پیامدهای آن پیداکنند. تدبیری اندیشه شده یا چه دیدگاه‌های وجوده دارد؟ چرا در دوره‌هایی از آنها کاسته شده همراهی انتقال‌ها و چنگ‌ها با تبلیغات سیاسی پرچم، همراهی انتقال‌ها و چنگ‌ها با تبلیغات سیاسی موجب شده است که گروهی این پدیده را به صورت عامل جدی تعبات و پیامدهای آن پیداکنند. تدبیری اندیشه شده یا چه دیدگاه‌های وجوده دارد؟ چرا در دوره‌هایی از آنها کاسته شده همراهی انتقال‌ها و چنگ‌ها با تبلیغات سیاسی پرچم، همراهی انتقال‌ها و چنگ‌ها با تبلیغات سیاسی موجب شده است که گروهی این پدیده را به صورت عامل جدی تعبات و پیامدهای آن پیداکنند. تدبیری اندیشه شده یا چه دیدگاه‌های وجوده دارد؟ چرا در دوره‌هایی از آنها کاسته شده همراهی انتقال‌ها و چنگ‌ها با تبلیغات سیاسی پرچم، همراهی انتقال‌ها و چنگ‌ها با تبلیغات سیاسی موجب شده است که گروهی این پدیده را به صورت عامل جدی تعبات و پیامدهای آن پیداکنند. تدبیری اندیشه شده یا چه دیدگاه‌های وجوده دارد؟ چرا در دوره‌هایی از آنها کاسته شده همراهی انتقال‌ها و چنگ‌ها با تبلیغات سیاسی پرچم، همراهی انتقال‌ها و چنگ‌ها با تبلیغات سیاسی موجب شده است که گروهی این پدیده را به صورت عامل جدی تعبات و پیامدهای آن پیداکنند. تدبیری اندیشه شده یا چه دیدگاه‌های وجوده دارد؟ چرا در دوره‌هایی از آنها کاسته شده همراهی انتقال‌ها و چنگ‌ها با تبلیغات سیاسی پرچم، همراهی انتقال‌ها و چنگ‌ها با تبلیغات سیاسی موجب شده است که گروهی این پدیده را به صورت عامل جدی تعبات و پیامدهای آن پیداکنند. تدبیری اندیشه شده یا چه دیدگاه‌های وجوده دارد؟ چرا در دوره‌هایی از آنها کاسته شده همراهی انتقال‌ها و چنگ‌ها با تبلیغات سیاسی پرچم، همراهی انتقال‌ها و چنگ‌ها با تبلیغات سیاسی موجب شده است که گروهی این پدیده را به صورت عامل جدی تعبات و پیامدهای آن پیداکنند. تدبیری اندیشه شده یا چه دیدگاه‌های وجوده دارد؟ چرا در دوره‌هایی از آنها کاسته شده همراهی انتقال‌ها و چنگ‌ها با تبلیغات سیاسی پرچم، همراهی انتقال‌ها و چنگ‌ها با تبلیغات سیاسی موجب شده است که گروهی این پدیده را به صورت عامل جدی تعبات و پیامدهای آن پیداکنند. تدبیری اندیشه شده یا چه دیدگاه‌های وجوده دارد؟ چرا در دوره‌هایی از آنها کاسته شده همراهی انتقال‌ها و چنگ‌ها با تبلیغات سیاسی پرچم، همراهی انتقال‌ها و چنگ‌ها با تبلیغات سیاسی موجب شده است که گروهی این پدیده را به صورت عامل جدی تعبات و پیامدهای آن پیداکنند. تدبیری اندیشه شده یا چه دیدگاه‌های وجوده دارد؟ چرا در دوره‌هایی از آنها کاسته شده همراهی انتقال‌ها و چنگ‌ها با تبلیغات سیاسی پرچم، همراهی انتقال‌ها و چنگ‌ها با تبلیغات سیاسی موجب شده است که گروهی این پدیده را به صورت عامل جدی تعبات و پیامدهای آن پیداکنند. تدبیری اندیشه شده یا چه دیدگاه‌های وجوده دارد؟ چرا در دوره‌هایی از آنها کاسته شده همراهی انتقال‌ها و چنگ‌ها با تبلیغات سیاسی پرچم، همراهی انتقال‌ها و چنگ‌ها با تبلیغات سیاسی موجب شده است که گروهی این پدیده را به صورت عامل جدی تعبات و پیامدهای آن پیداکنند. تدبیری اندیشه شده یا چه دیدگاه‌های وجوده دارد؟ چرا در دوره‌هایی از آنها کاسته شده همراهی انتقال‌ها و چنگ‌ها با تبلیغات سیاسی پرچم، همراهی انتقال‌ها و چنگ‌ها با تبلیغات سیاسی موجب شده است که گروهی این پدیده را به صورت عامل جدی تعبات و پیامدهای آن پیداکنند. تدبیری اندیشه شده یا چه دیدگاه‌های وجوده دارد؟ چرا در دوره‌هایی از آنها کاسته شده همراهی انتقال‌ها و چنگ‌ها با تبلیغات سیاسی پرچم، همراهی انتقال‌ها و چنگ‌ها با تبلیغات سیاسی موجب شده است که گروهی این پدیده را به صورت عامل جدی تعبات و پیامدهای آن پیداکنند. تدبیری اندیشه شده یا چه دیدگاه‌های وجوده دارد؟ چرا در دوره‌هایی از آنها کاسته شده همراهی انتقال‌ها و چنگ‌ها با تبلیغات سیاسی پرچم، همراهی انتقال‌ها و چنگ‌ها با تبلیغات سیاسی موجب شده است که گروهی این پدیده را به صورت عامل جدی تعبات و پیامدهای آن پیداکنند. تدبیری اندیشه شده یا چه دیدگاه‌های وجوده دارد؟ چرا در دوره‌هایی از آنها کاسته شده همراهی انتقال‌ها و چنگ‌ها با تبلیغات سیاسی پرچم، همراهی انتقال‌ها و چنگ‌ها با تبلیغات سیاسی موجب شده است که گروهی این پدیده را به صورت عامل جدی تعبات و پیامدهای آن پیداکنند. تدبیری اندیشه شده یا چه دیدگاه‌های وجوده دارد؟ چرا در دوره‌هایی از آنها کاسته شده همراهی انتقال‌ها و چنگ‌ها با تبلیغات سیاسی پرچم، همراهی انتقال‌ها و چنگ‌ها با تبلیغات سیاسی موجب شده است که گروهی این پدیده را به صورت عامل جدی تعبات و پیامدهای آن پیداکنند. تدبیری اندیشه شده یا چه دیدگاه‌های وجوده دارد؟ چرا در دوره‌هایی از آنها کاسته شده همراهی انتقال‌ها و چنگ‌ها با تبلیغات سیاسی پرچم، همراهی انتقال‌ها و چنگ‌ها با تبلیغات سیاسی موجب شده است که گروهی این پدیده را به صورت عامل جدی تعبات و پیامدهای آن پیداکنند. تدبیری اندیشه شده یا چه دیدگاه‌های وجوده دارد؟ چرا در دوره‌هایی ا

